

الدّرس الرّابع : « الجُمْلَةُ بَعْدَ النَّكْرَةِ »

***صفت (نعت) در زبان عربی به دو صورت است : (۱) صفت مفرد (تک اسمی) در عربی دهم با آن آشنا شدید.

(۲) صفت از نوع جمله وصفیه:

❖ صفت از نوع جمله وصفیه: هرگاه در یک جمله مستقل (اسمیه ویا فعلیه) یک « اسم نکره » وجود داشته باشد ، وبعد از آن اسم نکره (بدون فاصله یا بافاصله) جمله ای (فعلیه یا اسمیه) بیاید ، که آن اسم نکره را توصیف کند به آن جمله ، صفت از نوع « جمله وصفیه » گفته می شود.

« جمله وصفیه » : « اسم نکره + جمله فعلیه یا اسمیه جمله وصفیه »

(۱) جمله وصفیه همواره توصیف کننده یک « اسم نکره » است.

(۲) جمله وصفیه می تواند بلافاصله یا بافاصله بعد از اسم نکره بیاید.

(۳) جمله وصفیه می توانند (اسمیه ویا فعلیه) باشد.

(۴) در ترجمه فارسی ، قبل از جمله وصفیه حرف ربط « که » می آید.

(۵) در جمله وصفیه همواره یک « ضمیر (بارز یا مستتر) دیده می شود که از نظر جنس و تعداد

با اسم نکره مطابقت می کند.

« نکاتی در مورد جمله وصفیه »

مثال ۱- رأیت سیارة فی الطریق تسیر بسرعة: ماشینی را در راه دیدم که به سرعت حرکت می کرد.

در جمله بالا «سیارة» اسم نکره و فعل «تسیر» توصیف کننده آن اسم نکره است و در باره آن توضیح می دهد. وبا حرف ربطی «که» ترجمه شده است. و فعل «تسیر» در جایگاه صفت از نوع جمله وصفیه است.

در جمله فوق کلمه «سیارة» مفرد مونث است و فعل «تسیر» هم به صورت مفرد مونث آمده است و مطابقت صورت گرفته است.

مثال ۲- اشتريت كُتُبا مفيدةً قصصها كثيرة. («قصصها كثيرة» [ممبتدا + خبر] جمله وصفیه برای اسم نکره «كُتُبا»

ترجمه: کتابهای سودمندی خریدم که داستانهایش بسیار است.

در زبان عربی برای ترجمه جمله وصفیه اگر دارای فعل باشد باید مطابق الگوهای زیر عمل کرد:

۱) فعل ماضی + (قد) ماضی (در جمله وصفیه) ← به صورت ماضی بعید یا ماضی ساده

- اشتريت كُتُبا قَدْ رأيتَه فی المکتَبَة . کتابی را خریدم که آن را قبلا در کتابخانه دیده بودم (دیدم)

۲) ماضی + + مضارع ← ماضی استمراری

- شاهلاتُ طفلاً یضحکُ فی حِضْنِ أُمّه کودکي را دیدم که در آغوش مادرش می خندید.

۳- مضارع..... + مضارع ← مضارع التزامی یا مضارع اخباری

- أفتش عن کتاب یساعدنی فی فهم النصوص . دنبال کتابی می گردم که مرا در فهم نصوص کمک کند. (کمک می کند)

نکته ۱: اگر قبل از جمله وصفیه ، جمله اسمیه بیاید ، در این حالت جمله وصفیه که غالباً فعل مضارع است معمولاً به صورت « مضارع اخباری » ترجمه می شود. **مثال:**

- الکتابُ صدیقٌ یُنقذُکَ مِنْ مُصِيبَةِ الْجَهْلِ . کتاب دوستی است که تو را از مصیبت نادانی نجات می دهد.

نکته ۲: هرگاه قبل از فعل حروف عطف (و، ف، ثم، أو، أم، بل، لکن،» و حروف ناصبه «أن، کئی، لکی، حتی، لـ به جز «لن» و «إن، لِأَنَّ» ، کَانَ، لَعَلَّ، لیت « آمده باشد آن فعل نمی تواند جمله وصفیه باشد، چون ارتباطش با قبلیش قطع شده است. **مثال:**

- وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتَ بِهِ الْنبَاتَاتُ: خداوند از آسمان آب پربرکتی نازل کرد وبا آن گیاهان را رویاند.

دقت کنید فعل «أنبت» چون با «ف» همرا شده نمی تواند جمله وصفیه باشد.

نکته مهم: دقت کنید یک جمله در صورتی وصفیه است که توصیف کننده ویا توضیح دهنده یک اسم نکره باشد باشد در غیر اینصورت جمله وصفیه نیست. **مثال:**

- دَخَلَ الْمَعْلَمُ فِي صَفٍّ يَتَحَدَّثُ عَنِ الْإِمْتِحَانَاتِ .: معلم وارد کلاسی شد ، در حالی که درباره امتحانات صحبت می کرد.

در جمله فوق اسم نکره « صَفِّ » وبعد از آن فعل « يتحدَّث » آمده است. اما فعل « يتحدَّث » به اسم نکره صف بر نمی گردد بلکه به اسم معرفه « المعلم برمی گردد و در نتیجه فعل يتحدَّث جمله وصفیه نمی باشد.

نکته: در جمله وصفی حتما ضمیری وجود دارد که به اسم نکره برمی گردد ، این ضمیر را « رابط » می گوئیم.

مثال ۱: جَلَسْنَا تَحْتَ أَشْجَارٍ خَضْرَاءَ ظَلَّهَا لَطِيفٌ. در زیر درختان سبزی نشستیم که سایه شان لطیف بود.

اسم نکره → جمله وصفیه (اسمیه) و ضمیر «ها» به «أشجار» که اسم نکره است بر می گردد.

مثال ۲: رَأَيْتُ سَيَّارَةً فِي الطَّرِيقِ تَسِيرُ بِسُرْعَةٍ. ماشینی را در راه دیدم که به سرعت حرکت می کرد.

اسم نکره → جمله وصفیه (فعلیه) و ضمیر «هی مستتر» در فعل تسیر به «سيارة» که اسم نکره است بر می گردد.

تست:

۱- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ جَمَلَةٌ وَصْفِيَّةٌ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَاتَشْبَعُ !

۲) أُرِيدُ أَرْحَصَ سُرْوَالٍ تَبِيعَهُ فِي مَتَجَرِّكَ !

۳) إِشْتَرَكَ التَّلَامِيذُ فِي جَلْسَةٍ فِيهَا آبَاءٌ وَالْأُمَّهَاتُ !

۳) رَأَيْتُ الْعَصْفُورَ فَوْقَ شَجَرَةٍ يَقْفُزُ مِنْ غُصْنٍ إِلَى غُصْنٍ آخَرَ !

۲- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ مُضَارِعٌ مَنْصُوبٌ:

۱) إِذَا جَاءَكَ أَحَدٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنْ قَبْلَ أَنْ تَقْبَلَهُ تَمَامًا !

۲) هَوْنِي عَلَيْكَ وَلَا تَحْزَنِي وَتَأْكُدِي بَأَنَّ الْفَرْجَ قَرِيبٌ !

۳) لِمَ لَمْ تُسَاعِدْنِي عَلَى أَنْ نَشْجَعَ الْأَفْئَالَ عَلَى الْقِرَاءَةِ وَالْكِتَابَةِ ! ۴) مَا خَلَقْنَا فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِنُمْتَحِنَ حَتَّى يَتَبَيَّنَ أَوْ نَحْنُ مِنَ الصَّابِرِينَ !

۱- پاسخ: «گزینه ۴» در این جمله فعل « يقفز » به اسم نکره « شجرة » بر نمی گردد و به اسم معرفه « العصفور برمی گردد و جمله وصفیه نیست. بررسی سایر گزینه ها: گزینه ۱: « نفس » اسم نکره ، « لاتشبع » جمله وصفیه است. خدایا من از نفسی که سیر نمی شود به تو پناه می برم. / گزینه ۲: «سروال» اسم نکره، «تبع» جمله وصفیه است. ارزان ترین شلواری را می خواهم که در مغازه ات می فروشی. گزینه ۳: «جلسه» اسم نکره « فيها الآباء والأمهات » جمله وصفیه از نوع اسمیه است. دانش آموزان در جلسه ای شرکت کردند که پدران و مادران در آن بودند.

۲- پاسخ: «گزینه ۲» در گزینه ۲ فعلهای « هَوْنِي و تَأْكُدِي » فعل امر ، و « لاتحزنی » فعل نهی هستند. اما در گزینه های (۱ و ۳ و ۴) فعلهای « أَنْ تَقْبَلَهُ ، أَنْ نَشْجَعَ ، لِنُمْتَحِنَ ، حَتَّى يَتَبَيَّنَ » مضارع منصوب هستند.